

ذوق زدگی عجیب جعفر در جشن سعودی

همزمان با سفر رئیس دولت به نیویورک برای حضور در مجمع عمومی سازمان ملل و در شرایطی که انتقادات گسترده‌ای به برخی از مواضع پزشکیان و عراقچی در مصاحبه با رسانه‌های آمریکایی مطرح بود، حضور جعفر قائم‌پناه معاون اجرایی و سرپرست نهاد ریاست جمهوری و علی اکبر صالحی رئیس بنیاد ایران شناسی و وزیر امور خارجه در دولت دهم در مراسم جشن روز ملی عربستان سعودی موجی از انتقادات را به دنبال داشت. به نظر می‌رسد اشتباهات دولت چهاردهم در عرصه سیاست خارجی وارد یک دومینوی بی‌پایان شده و هر روز یک پرده جدیدی از اشتباه محاسباتی دولت رو می‌شود.

۳



همزمان با آنکه عراقچی از پیشنهاد بازگشایی تنگه در پایان هفت روز خبرداد و پزشکیان رقیق سازی اورانیوم ۶۰ درصد و بازرسی را پذیرفت همچنان انتقال سنگین تسلیحات آمریکایی به منطقه ادامه دارد

دیپلماسی ضعیف مقدمه جنگ سوم



یزدیان در گفتگو با نوبنیاد:

از پالس ضعیف بدتر، ارسال پیام متناقض، از داخل است

۲

خانعلی زاده در گفتگو با نوبنیاد:

افزایش احتمال جنگ؛ دستاورد سفر نیویورک

۶



پاسخ تحریمی به لبخند دیپلماتیک

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

درست در روزهایی که رئیس جمهور و وزیر خارجه در نیویورک مشغول دیدارهایی هستند که درباره دستاورد عملی آنها ابهام جدی وجود دارد، گزارش‌ها از تشدید فشار آمریکا برای ایجاد محدودیت علیه خطوط هوایی ایران حکایت دارد. اسکاوت بسنت، وزیر خزانه‌داری دولت ترامپ، از فشار واشنگتن بر کشورهای مختلف برای همراهی با این سیاست سخن گفته و نام کشورهایمانند امارات، گرجستان، جمهوری باکو، اشغال و عمان و همچنین برخی فرودگاه‌های ترکیه و مسیرهای مرتبط با عراق در میان کشورهای مطرح شده که محدودیت‌هایی را اعمال کرده‌اند.

متن کامل در صفحه ۷

صفحه ۴

اقتصادی

چگونه شوک ارزی دی ماه به تورم تبدیل شد؟

جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران از شاخص قیمت کالاهای وارداتی در زمستان ۱۴۰۴، تصویری روشن از شدت این چرخه نشان می‌دهد؛ به طوری که تورم نقطه به نقطه کالاهای وارداتی بر مبنای ریالی به ۱۵۷.۵ درصد و تورم سالانه آن به ۱۶۳.۹ درصد رسیده؛ این در حالی است که دولت تلاش می‌کند جنگ را عامل تورم معرفی کند.

صفحه ۵

اقتصادی

سیگنال از پاستور برای نجات ترامپ

در حالی که روند شاخص‌های اقتصادی آمریکا رو به وخامت بود و رکوردهای منفی جدیدی را ثبت می‌کرد، ناجی همیشگی وارد عمل شد؛ مسعود پزشکیان، رئیس دولت، در مصاحبه با فاکس نیوز چنان مشتاقانه درباره مذاکره سخن گفت که روند رو به وخامت شاخص‌های اقتصادی معکوس شد و بازارها به ثبات نسبی رسیدند.

عملکرد و مواضع اخیر رئیس جمهور در گفتگو با رسانه‌های آمریکایی پالس ضعف به دشمن و مقدمات جنگی دیگر را فراهم کرد

ضعیف‌نمایی در خاک آمریکا

یزیدیان، نماینده اصفهان در گفتگو با روزنامه نوبنیاد مواضع اخیر رئیس جمهور را ارسال پالس ضعف به دشمن و نادیده گرفتن مطالبه خونخواهی امام شهید دانست و هشدار داد چنین مواضعی موجب جری‌تر شدن دشمن و مقدمات یک جنگ دیگر را فراهم می‌کند.

پس از اظهارات قابل تحسین رئیس جمهور در سازمان ملل، مصاحبه اخیر پزشک‌های با فاکس نیوز و اظهارات او در جمع خبرنگاران آمریکایی دوباره حاشیه‌ساز شد. اظهاراتی که نه تنها مواضع پزشک‌های در سازمان ملل را خنثی ساخت، بلکه منجر به ضعیف‌نمایی و ارسال پالس ضعف به طرف آمریکایی بود. حامد



اظهار داشت: بیان هرگونه اظهاراتی که توأم با پالس ضعف به دشمن و بیانگر کوتاه آمدن کشورمان از مواضع اصولی خود باشد، مقدمات جنگی دوباره علیه کشورمان و جری‌تر شدن دشمن را فراهم می‌کند.

وی در همین باره افزود: بدتر از ارسال پالس ضعف به دشمن، بیان مواضع متضاد و متناقض است که حیثیت و آبروی کشورمان را در دنیا تحت تأثیر قرار می‌دهد. نماینده مردم اصفهان با تأکید بر این نکته که اظهارات اخیر رئیس جمهور در سازمان ملل و گفتگو با رسانه‌های آمریکایی متناقض و توأم با پالس ضعف بود، اظهار داشت: حتماً این موضوع نیازمند تذکر جدی است و ما در مجلس شورای اسلامی پیگیر این موضوع هستیم.

یزیدیان همچنین درباره عملکرد ضعیف تیم وزارت خارجه و اقدام خارج از چارچوب عراقچی در حاشیه سازمان ملل تصریح کرد: در مجلس شورای اسلامی این موضوع را برای برخورد پیگیری خواهیم کرد. نماینده مردم اصفهان در ادامه در واکنش به اصرار دوباره پزشک‌های مبنی بر اینکه ایران همچنان مایل است تفاهم‌نامه اسلام‌آباد اجرایی شود، اظهار داشت: برگشتن به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد به نفع کشور نیست و در حال حاضر کشور را باید بر اساس شرایط امروز مدیریت و اداره کرد. وی با بیان اینکه مجموع تحولات و معادلات نسبت به چند ماه گذشته تغییر کرده است، تصریح کرد که نباید به تفاهم‌نامه‌ای که هیچ بند آن اجرایی نشده است بازگردیم.

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس در ادامه در واکنش به موضع ضد چینی پزشک‌های و وخیم جلوه دادن اوضاع اقتصادی کشور به دنیا، اظهار داشت: چین و روسیه طی ماه‌های اخیر همکاری خوبی با ما داشته‌اند بویژه وتوی قطعنامه‌ها علیه ما و همچنین عدم مشارکت در محاصره هوایی آمریکا.

یزیدیان در خصوص نادیده گرفتن خونخواهی امام شهید توسط پزشک‌های، گفت: در شرایط کنونی مردم و جمهوری نظام خواهان خونخواهی امام شهیدند و هر کسی که بخواهد در مقابل این امر و خواسته مردم قرار بگیرد؛ توسط همین مردم مبعوث مورد مجازات قرار خواهد گرفت.

نماینده مردم اصفهان در پایان تأکید کرد که انتخابات آمریکا برای ما هیچ سندی نیستی ندارد که بخواهیم رفتارمان را بر اساس آن تنظیم کنیم.

و جوه برای پرداخت به شخص دیگری در گوشه دیگری از جهان». گفتنی است که چین اخیراً با محاصره هوایی دولت تروریستی آمریکا علیه کشورمان مخالفت کرده است.

پزشک‌های همچنین در حاشیه نشست سازمان ملل در گفتگو با ان بی سی با مواضعی خطرناک و انتقاد برانگیز اظهار داشت: «ما اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی را در چارچوب حقوق بین‌الملل و معاهدات عدم اشاعه کنار خواهیم گذاشت». رئیس جمهور همچنین با زیر سوال بردن ادبیات خونخواهی که مورد تأکید رهبر انقلاب است و نادیده گرفتن چندین ماه مطالبه مردم مبعوث خیابان در کف میادین کشور مبنی بر لزوم گرفتن انتقام امام شهید انقلاب، اظهار داشت: «موضع دولت ایران هرگز تلاش برای ترور رئیس جمهور ترامپ یا اعضای خانواده‌اش نبوده است».

رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله‌عید مجتبی خامنه‌ای در پیام ۱۸ تیر ۱۴۰۵ که به مناسبت تشییع و تدفین آقای شهید ایران منتشر شده بود صراحتاً فرموده بودند: «این انتقام، خواست ملت ما است و به‌طور حتمی باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا دیشان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد. آنها باید بدانند که این امر، متوقف بر وجود شخص من یا سایر مسئولان نیست. ما با شسیم یا نباشیم، این مطلب محقق خواهد شد و بزودی آحادی از آزادگان در سراسر دنیا هریک بخشی از این مأموریت الهی را انجام خواهند داد.»

علاوه بر این پزشک‌های در بخشی دیگر از سخنان خود در گفتگو با ان بی سی اظهار داشت: «نهران می‌خواهد پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره با واشنگتن به توافق برسد. دولت ما پذیرای بازرسی از تأسیسات هسته‌ای خود است». این اظهارات در حالی مطرح شد که جمهوری خواهان طی هفته‌های اخیر به دنبال بازگشت فضای ملتهب علیه خود تا پیش از انتخابات کنگره‌اند.

یزیدیان: مردم هرکسی که خونخواهی امام شهید را نادیده بگیرد مجازات خواهد کرد

حامد یزیدیان، نماینده مردم اصفهان در گفتگو با نوبنیاد درباره مواضع اخیر پزشک‌های در نیویورک در مصاحبه با رسانه‌های آمریکایی

امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

روز گذشته، مسعود پزشک‌های، رئیس جمهور کشورمان در حاشیه سفر به نیویورک، گفت‌وگویی با شبکه فاکس نیوز انجام داد. گفتگویی که همراه با ضعیف‌نمایی و پالس ضعف به طرف آمریکایی همراه بود. پزشک‌های در این مصاحبه در پاسخ به سوالاتی مبنی بر اینکه «آیا ایران حاضر است در روند توافق (امتیازی) ارائه دهد؟» با بیان اینکه ایران پایبندی به تفاهم‌نامه متلاشی شده اسلام‌آباد گفت: «ما مشکلی نداریم. ما با رئیس جمهور شما به توافقی رسیدیم که امضا شد. آن توافق امضا شد و بر آن اساس، ما مایلیم و همچنان می‌خواهیم پیش برویم.» رئیس جمهور در حالی از پایبندی ایران به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد سخن گفت، که چند هفته پیش رئیس جمهور دولت تروریستی آمریکا در مصاحبه با همین فاکس نیوز مدعی شده بود: «توافق با ایران ارزش کاغذی که روی آن نوشته شده را ندارد».

رئیس جمهور در بخش دیگری از سخنان خود، با ارائه اطلاعاتی محرمانه به مجری شبکه آمریکایی فاکس نیوز، با مواضعی ضد چینی، شرایط اقتصادی کشورمان را به دنیا وخیم جلوه داد. پزشک‌های پیرامون موضوع دارایی‌های مسدود شده ایران در خارج از کشور، اظهار داشت: «یکی از مشکلاتی که با آن روبه‌رو هستیم، این است که پول ما در چین مسدود شده است. این واقعیت که شما قبلاً به اتهاماتی اشاره کردید که ما به کسانی کمک مالی می‌کنیم، ما حتی نمی‌توانیم پول خودمان را از کشوری که کالا به آن عرضه کرده‌ایم خارج کنیم، چه برسد به استفاده از آن



بازنمایی ضعف با پرفورمنس التماس

مهدی خاقلی‌زاده، کارشناس مسائل سیاسی و بین‌الملل درباره اظهارات اقدامات رئیس جمهور و عراقچی در نیویورک نوشت: مواضع، اقدامات و سخنان جناب آقایان دکتر پزشک‌های و عراقچی در نیویورک، مجدداً "بازنمایی ضعف" از ایران را تأکید و تثبیت کرد و زمینه را برای تهاجم نظامی بعدی به کشورمان فراهم کرد. چشمان کاملاً بسته‌ی دولت و دستگاه دیپلماسی برواقعیت‌های نظام بین‌الملل و تحولات جاری در آن، برای چندمین بار ایران را در آستانه‌ی یک جنگ دیگر قرار داده است. "پرفورمنس التماس" که از سوی مسعود پزشک‌های سیدعباس عراقچی در سازمان ملل اجرا شد، واشنگتن را در استفاده‌ی مجدد از ابزار نظامی علیه کشورمان مصمم‌تر خواهد کرد.

خبر کوتاه

مخبر: پرواز در منطقه یا برای همه آزاد است، یا برای هیچ‌کس

مشاور و دستیار مقام معظم رهبری در حساب کاربری خود نوشت: همسویی با آمریکا در اجرای سیاست‌های خصمانه در خاطر ملت ایران ماندگار خواهد بود، هر چند راهبرد ما در این مورد مشخص است: پرواز در منطقه یا برای همه آزاد است، یا برای هیچ‌کس. اگر ایران امکان پرواز و دریافت خدمات فرودگاهی نداشته باشد، هیچ کشوری در منطقه هم این امکان را نخواهد داشت.

خلجی: با بنزین خلیج فارس باک جنگنده‌ها را پر می‌کردند

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم در واکنش به اظهارات اخیر دبیرکل ناتو نوشت: مارک روته دبیرکل ناتو ابعاد تازه‌ای از مشارکت اروپا در جنگ علیه ایران را رونمایی کرد. ۵۰۰ پرواز از اروپا برای پشتیبانی از آمریکا در حمله به ایران! بعد همین جنایتکاران از مسدود شدن تنگه هرمز و قطع جریان سوخت به اروپا ناراحت! با بنزین خلیج فارس باک جنگنده‌ها را پر می‌کردند.

شهید رئیسی حل مشکلات را به رفع تحریم گره نزد

سخنگوی دولت سیزدهم روز گذشته با انتشار پستی از کتاب جدید خود درباره شهید رئیسی خبر داد و نوشت: راهبرد دیگر شهید رئیسی در حوزه سیاست خارجی گره زدن سفره مردم به بیگانگان بود. شهید رئیسی پیرو فرمایشات مقام معظم رهبری نسبت به موکول نکردن حل مشکلات اقتصادی به رفع تحریم‌ها، اعضای هیئت دولت را در دومین جلسه هیئت دولت مکلف کردند که این موضوع را به عنوان راهبرد دولت سیزدهم مطرح نظر قرار دهند و بر همین اساس معتقد بودند که هر چند می‌بایست به دنبال رفع تحریم‌ها برآمد اما با عنایت به اینکه همه اختیارات مربوط به رفع تحریم‌ها در اختیار جمهوری اسلامی ایران نیست، لذا "حل مشکلات اقتصادی را به رفع تحریم‌ها احاله نمی‌دادند و دغدغه خویش و اعضای هیئت دولت را بر این مهم متمرکز می‌کردند که با وجود شرایط تحریم، می‌توان در مقام تمشیت اداره امور جامعه برآمد.

واکنش قاضی‌زاده به دعوت مکرر پزشک‌های از کارشناسان

معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم در حساب کاربری خود درباره عملکرد دولت چهاردهم با طرح سوالاتی نوشت: «هرکس می‌تواند برای حل مشکلات کمک کند، بیاید!»؛ اما کجا؟ با چه اختیاری؟ برای حل کدام مسئله؟ چرا بعد از بیش از دو سال، به جای دعوت کلی از کارشناسان، مسیر مشخصی برای دریافت، بررسی و اجرای راه حل‌ها وجود ندارد؟ آیا پذیرفتنی است دولتی که با ادعای برنامه و توان اداره کشور روی کار آمده، مشکلات حل نشده را به نبود راه حل نسبت دهد؟ چرا جلسات با کارشناسان، احزاب و گروه‌ها برگزار می‌شود، اما خط پیگیری و اقدام مشخصی برای پیشنهادها مطرح شده وجود ندارد؟ از بانک‌های ناتراز و کسری بودجه تا گرانی، نقدینگی، دارو و کشاورزی؛ آیا بخشی از مشکلاتی که امروز با آن مواجهیم، راه حل‌های اجرایی مشخص ندارند؟ تجربه مدیریت بنیاد شهید چه می‌گوید؟ از تأمین مستقیم دارو برای جانبازان تا حدود ۲۷ درصد صرفه جویی؛ آیا می‌توان با اصلاح سازوکارها، بخشی از هزینه‌ها و ناکارآمدی‌ها را کاهش داد؟ و یک سؤال اساسی‌تر: مشکل ما کمبود راه حل است یا ساختارهایی که اجازه اجرای اصلاحات را نمی‌دهند؟

خبر کوتاه

جلیلی: نباید به حداقل‌ها اکتفا کنیم

دکتر سعید جلیلی، نماینده رهبر معظم انقلاب در مجمع تشخیص مصلحت نظام در یکصد و پنجاه و پنجمین جلسه حکمت سیاسی اسلام در قرآن گفت: نگاه به قله یعنی وقتی فرصت و ظرفیت یک حرکت بزرگ فراهم شده است، به حداقل‌ها اکتفا نکنیم و متناسب با شرایط، در همان تراز به میدان بیاایم. وی افزود: «لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَالسَّيِّئَةُ»؛ در جامعه دینی، کار خوب و بد یکسان نیست و فساد اقتصادی، فساد سیاسی و دیگر ناهنجاری‌ها نمی‌توانند صرفاً با عنوان «همه کنار هم باشیم» پذیرفته شوند. قرآن در کنار تأکید بر مقابله با بدی، روش آن را نیز مشخص می‌کند: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَخْسَنُ»؛ یعنی بدی و خطا باید برطرف شود، اما به بهترین شکل و با بهترین شیوه.

پست‌های کلیدی، در دست جانفداها باشد نه غرب‌زده‌ها

آیت‌الله‌خاتمی خطیب نماز جمعه تهران گفت: وحدت محور می‌خواهد که محوران ولی فقیه است؛ ولایت‌مداری حرف اول را می‌زند نه ولایت شعاری. باید نبض کار به دست کسانی باشد که این مردم را قبول دارند و جانفدا هستند، غرب زده‌ها نمی‌توانند محور وحدت باشند و سختی با این مردم ندارند و نباید پست‌های کلیدی دست آنها باشد. وی افزود: نطق رئیس جمهور در سازمان ملل انصافاً نطقی منطقی و حماسی و شجاع بود که سازمان ملل را تبدیل به دادگاه کرد و در واقعاً ترجمه مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل مردم بود. این سخنرانی شایسته ملتی بود که هفت ماه است که خیابان را ترک نکردند و تا زمین‌گیری دشمن خیابان را ترک نخواهند کرد. ایشان منطق ایران را به دنیا مخابره کرد.

ظهوریان: پزشک‌های آمادگی ذهنی برای مصاحبه ندارند

نماینده مردم مشهد در واکنش به اظهارات ضعیف پزشک‌های در فاکس نیوز در حساب کاربری خود نوشت: رئیس جمهور محترم فاقد حداقل آمادگی ذهنی لازم برای حضور در مصاحبه با رسانه‌های بین‌المللی (به ویژه رسانه‌های معاند) است و کسانی که ایشان را در مقابل شبکه‌ای مانند فاکس نیوز نشانند؛ قطعاً نه به دنبال خیرایشان هستند و نه خیر کشور.

متکی: نقشه ترامپ؛ کش‌دادن مذاکره تا آبان است

نماینده مجلس شورای اسلامی و وزیر پیشین امور خارجه گفت: مذاکره با آمریکا نباید به ابزاری برای تأمین اهداف ترامپ تبدیل شود؛ پس از نقض تفاهم‌نامه ۱۴ بندی، ایران باید تا پایان انتخابات آمریکا و تحقق شروط خود، هرگونه مذاکره مستقیم یا غیرمستقیم را متوقف و موضعی شفاف و رسمی اعلام کند.

نیروی دریایی ارتش با قدرت از سواحل مکران حفاظت می‌کند

امیر دریادار مقدم، معاون هماهنگ‌کننده نیروی دریایی ارتش در بازدید از یگان‌ها و مواضع منطقه دوم دریایی ولایت جاسک گفت: آنچه امروز در بازدید از مواضع ویگان‌های منطقه دوم و تیپ‌های تابعه مشاهده شد، نشان‌دهنده روحیه بالا و آمادگی نیروها برای دفاع از مرزهای کشور است.

وی افزود: حضور نیروهای مسلح در مرزهای جنوب شرق و سواحل مکران موجب شده دشمن نتواند از این منطقه تهدیدی متوجه کشور کند. دریادلان نیروی دریایی ارتش با قدرت به مأموریت خود ادامه می‌دهند و از سواحل مکران صیانت می‌کنند.

رزمایش بزرگ ۴۰ هزار نفری موتورسواران جان‌فدای ایران برگزار شد

جمعه برگزاری رزمایش جان‌فدا، با شور انقلابی در میدان حضور پیدا کرده‌اند. وی ادامه داد: شرکت‌کنندگانی که با یاد و نام شهدای دفاع مقدس هشت‌ساله، دفاع مقدس ۱۲ روزه و دیگر شهدای ایران بار دیگر برآمدگی خود برای دفاع از کشور اعلام کردند. در این مراسم، حضور گسترده اقشار مختلف مردم در کنار مسئولان، نمادی از وحدت، انسجام ملی و یکپارچگی ملت و مسئولان است.

فرمانده سپاه تهران گفت: فرماندهان حاضر در این رزمایش نیز با تأکید بر اینکه «مردم ایران جان‌فدای ایران هستند»، حضور در کنار مردم و دفاع از کشور را افتخاری بزرگ دانستند و برآمدگی جان‌فدایان ملت برای دفاع از ایران تأکید کردند.

این آیین، پرچم سه‌رنگ کشورمان و هم‌چنین تصویر حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی را بردست داشتند و طی شعارهایی با فرمانده معظم کل قوا تجدید بیعت کردند. فرمانده سپاه محمدرسول‌الله(ص) تهران بزرگ در حاشیه رزمایش چهل هزار موتورسوار جان‌فدای ایران بیان کرد: مردم ما در تهران با سلايق و گرایش‌های مختلف در کنار یکدیگر برای قدرت‌نمایی در مقابل دشمن قرار گرفته‌اند. وی افزود: دشمن می‌داند ملتی که جان‌فدای وطن و کشور و ناموس خودش است، شکست‌ناپذیر است. فرمانده سپاه تهران خاطر نشان کرد: شکست‌ناپذیری کشور ما برگرفته از اراده ملت ماست؛ به‌طوری‌که در دومین



صبح روز گذشته ۳ مهرماه ۱۴۰۵، رزمایش بزرگ ۴۰ هزار نفری موتورسواران جان‌فدای ایران در تهران برگزار شد. در این رزمایش، موتورسواران مسیر خیابان انقلاب و آزادی از میدان میدان امام حسین (ع) تا میدان آزادی را طی کردند. شرکت‌کنندگان در

حضور دو مقام ارشد دولتی در مراسم جشن روز ملی عربستان حاشیه‌ساز شد

ذوق‌زدگی عجیب

جعفر در جشن سعودی

همزمان با سفر رئیس دولت به نیویورک برای حضور در مجمع عمومی سازمان ملل و در شرایطی که انتقادات گسترده‌ای به برخی از مواضع پزشکیان و عراقچی در مصاحبه با رسانه‌های آمریکایی مطرح بود، حضور جعفر قائم‌پناه معاون اجرایی و سرپرست نهاد ریاست‌جمهوری و علی‌اکبر صالحی رئیس بنیاد ایران‌شناسی و وزیر امور خارجه در دولت دهم در مراسم جشن روز ملی عربستان سعودی موجی از انتقادات را به دنبال داشت. به‌نظر می‌رسد اشتباهات دولت چهاردهم در عرصه سیاست خارجی وارد یک دومینوی بی‌پایان شده و هر روز یک پرده جدیدی از اشتباه محاسباتی دولت رو می‌شود.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

سیاسی و دیپلماتیک روشنی به جبهه مقاومت و یمن خواهد داشت. در همین راستا مهرداد بذریاش وزیر راه و شهرسازی دولت شهید رئیسی نوشت: در شرایطی که یمن در جبهه مقاومت

اینگونه در میدان ایستاده، این کار توسط مقامات رسمی چه معنی دارد! ایشان (جعفر قائم‌پناه) نمی‌داند، دکتر صالحی که سابقه وزارت خارجه را دارد هم نمی‌داند؟

علاوه بر موضوع یمن و انصاف‌الله نوع و میزان همراهی عربستان سعودی با آمریکا در جنگ اخیر و طراحی‌های ضدایرانی پس از آن موجب شد تا انتقادات از قائم‌پناه شدت بیشتری بگیرد. پیش از این خبرگزاری رویترز به نقل از دو مقام غربی مطلع و دو مقام ایرانی گزارش داد عربستان سعودی در اواخر ماه مارس، چندین حمله هوایی اعلام‌نشده را علیه اهدافی در داخل ایران انجام داده است. همچنین وال استریت ژورنال در گزارشی تازه به نقل از منابع آگاه نوشته است محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، از مقام‌های آمریکایی خواسته محاصره دریایی ایران تا زمانی که تهران به یک توافق جدید تن دهد، حفظ شود. در این گزارش به نقل از افراد آگاه از

گفت‌وگوها آمده است محمد بن سلمان اخیراً به مقام‌های آمریکایی گفته محاصره باید تا زمانی ادامه پیدا کند که ایران برای دستیابی به یک توافق جدید تحت فشار قرار گیرد.

روانبخش: دست‌میزاد دارد!

حجت الاسلام قاسم روانبخش نماینده مردم قم در واکنش به حضور اخیر علی‌اکبر صالحی و معاون پزشکیان در جشن ملی عربستان در حساب کاربری خود نوشت: در حالی که دولت عربستان سعودی با جنگنده‌های خود به بمباران مردم مظلوم یمن مشغول است و نمایندگانش به همراه آمریکا و اسرائیل به هنگام سخنرانی رئیس‌جمهورمان سالن سازمان ملل را ترک می‌کنند، حضور جعفر قائم‌پناه معاون رئیس‌جمهور و علی‌اکبر صالحی در مراسم بریدن کیک جشن تشکیل دولت وهابیون سعودی که تخریب قبور ائمه بقیع یکی از جنایات آن هاست، جای دست‌میزاد دارد!



گردش حساب ۱۴ همتی یک معلم بازنشسته



فرار مالیاتی تنها به درآمدهای اعلام نشده محدود نمی شود؛ گردش های مالی کلان و حساب های اجاره ای، بخشی از فعالیت های پنهانی هستند که شناسایی آنها نیازمند توسعه پایگاه های اطلاعاتی است. رئیس اسبق سازمان مالیاتی، شناسایی فعالیت های اقتصادی پنهان و افراد پریسک را از الزامات مقابله با فرار مالیاتی دانست و بر توسعه پایگاه های اطلاعاتی تأکید کرد. داود منظور افزود: فرار مالیاتی نیاز دارد واقعاً به یک جهت گیری مشخص برسد؛ یعنی باید کسانی را که کسب و کارهای پنهان دارند و درآمدهای بسیار بالایی در اصفاف مختلف کسب می کنند، شناسایی کنیم. وی گفت: نمی خواهیم اسم صنف خاصی را بیاریم، اما در برخی اصناف درآمدهای پنهان زیادی وجود دارد و باید با گسترش پایگاه های اطلاعاتی و توسعه نظام شناسایی منابع و درآمدها، این افراد را شناسایی

کنیم. باید افراد پریسک و پرخطر را از سایر مؤدیان جدا کنیم و برای آنها رسیدگی های خاص در نظر بگیریم. منظور با اشاره به نمونه ای از شناسایی یک مورد فرار مالیاتی در استان خوزستان اظهار کرد: به یاد دارم در سال ۱۴۰۱ فردی را در استان خوزستان شناسایی کردیم که یک معلم بازنشسته بود، اما گردش حساب او ۱۴ همت بود. منظور تصریح کرد: این موضوع چگونه اتفاق افتاده بود؟ فرد دیگری حساب این شخص را اجاره کرده بود. پدیده ای به نام حساب های اجاره ای داریم که در آن فردی حساب شخص دیگری را در اختیار می گیرد و تمام معاملات، خرید و فروش ها و فعالیت های کسب و کار خود را از طریق آن انجام می دهد و در مقابل مبلغی به صاحب حساب پرداخت می کند. او ادامه داد: در چنین شرایطی، فرد اصلی که درآمدها و منابع مالی متعلق به اوست، شناسایی نمی شود و در

نهایت صاحب حساب باید پاسخگو باشد. رئیس سابق سازمان مالیاتی گفت: فرارهای مالیاتی در این ابعاد، موضوع یک یا دو میلیون تومان نیست که بگوییم فردی مثلاً ۵ میلیون تومان درآمد داشته و مالیات آن را پرداخت نکرده است؛ موضوع جابه جایی های کلان و درآمدهای بسیار بزرگ است. منظور تأکید کرد: باید سراغ اقلام کلان، مبادلات بزرگ و جابه جایی های مالی قابل توجه برویم؛ از جمله افرادی که منابع مالی خود را به رمزارزها منتقل کرده اند، پول های کلان را در سایت های شرط بندی جابه جا می کنند یا درآمدهای غیرقانونی خود را به ارز تبدیل کرده و از کشور خارج می کنند. این موارد همگی قابل شناسایی هستند و با توسعه پایگاه های اطلاعاتی و تقویت نظام شناسایی منابع و درآمدها می توان این جریان های مالی را رصد کرد.

گزارش مرکز آمار نشان می دهد؛

چگونه شوک ارزی دی ماه به تورم تبدیل شد؟

شوک ارزی در نیمه دی ماه ۱۴۰۴ ابتدا به قیمت کالاهای وارداتی و مواد اولیه و واسطه ای منتقل شد و سپس از مسیر تولیدکنندگان، به قیمت کالاها و در نهایت به سفره خانوار رسید. جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران از شاخص قیمت کالاهای وارداتی در زمستان ۱۴۰۴، تصویری روشن از شدت این چرخه نشان می دهد؛ به طوری که تورم نقطه به نقطه کالاهای وارداتی بر مبنای ریالی به ۱۵۷.۵ درصد و تورم سالانه آن به ۱۶۳.۹ درصد رسیده؛ این در حالی است که دولت تلاش می کرد جنگ را عامل تورم معرفی کند، اما گزارش مرکز آمار نشان می دهد چگونه تصمیم ارزی دولت به سفره خانوار رسید.

ماده اولیه با واسطه ای باشد، اثر آن با تأخیر در قیمت محصول داخلی نمایان خواهد شد. در واقع می توان زنجیره انتقال شوک را این گونه تصویرسازی کرد: افزایش نرخ ارز [۰.۰۰] افزایش هزینه تأمین ارز واردکننده [۰.۰۰] افزایش قیمت ریالی کالاهای وارداتی [۰.۰۰] افزایش هزینه مواد اولیه و کالاهای واسطه ای [۰.۰۰] افزایش هزینه تولید [۰.۰۰] افزایش قیمت تولیدکننده و در نهایت کاهش قدرت خرید خانوار. گزارش زمستان ۱۴۰۴ مرکز آمار نشان می دهد این زنجیره در سمت واردات با شدت بالایی فعال شده است. تورم نقطه ای ریالی واردات به ۱۵۷.۵ درصد رسیده، در حالی که تورم نقطه ای دلاری ۲۴.۷ درصد بوده است. شاخص ریالی واردات در بهار ۱۴۰۴ تورم فصلی ۶۲.۲ درصدی، در تابستان ۲۹.۱ درصدی، در پاییز ۹.۷ درصدی و در زمستان ۱۲.۱ درصدی داشته است. تورم سالانه نیز از ۹۰ درصد در بهار به ۱۲۳ درصد در تابستان، ۱۴۷.۲ درصد در پاییز و ۱۶۳.۹ درصد در زمستان رسیده است؛ در مقابل، تورم سالانه دلاری واردات در همین دوره ها به ترتیب ۱۷.۳، ۱۰.۲۱، ۲۳.۳ و ۲۴.۳ درصد بوده است. این مقایسه نشان می دهد که رشد قیمت دلاری کالاهای وارداتی به مراتب محدودتر از رشد قیمت ریالی آن ها بوده است؛ بنابراین برای تحلیل فشار تورمی واردات در اقتصاد ایران، بررسی نرخ ارز اهمیت اساسی دارد.

سیاست ارزی و مسئله قدرت خرید

خانوارها با قیمت گوشت، روغن، دارو، لوازم خانگی، خودرو، قطعات، پوشاک، مواد غذایی، مسکن و خدمات مواجه هستند، اما بسیاری از این قیمت ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم به نهاده های وارداتی وابسته اند. از همین رو، انتقال شوک ارزی به سفره مردم الزاماً یک انتقال یک مرحله ای نیست. این انتقال می تواند در چند مرحله اتفاق بیفتد و حتی پس از افزایش اولیه نرخ ارز ادامه پیدا کند. به همین دلیل، اثر تغییر نرخ ارز بر قیمت مصرف کننده می تواند با تأخیر ظاهر شود و در زنجیره های مختلف تولید شدت متفاوتی داشته باشد. سیاست ارز تک نرخ با هدف حذف رانت و ایجاد شفافیت اجرا شد؛ اما حتی اگر هدف حذف رانت را از منظر دولت بپذیریم، یک سؤال مهم اقتصادی همچنان باقی می ماند و آن اینکه هزینه این اصلاح ارز را چه کسی پرداخت کرده است؟ داده های زمستان از گذشته نشان می دهد که هزینه ریالی واردات به شدت افزایش یافته است. شاخص کل قیمت واردات بر مبنای ریالی در یک سال ۱۵۷.۵ درصد رشد داشته است؛ یعنی شوک نرخ ارز به سرعت و با شدت بالا به قیمت کالاهای وارداتی منتقل شده است.

ماده اولیه، قطعه، ماشین آلات یا کالای واسطه ای باشد، افزایش هزینه آن وارد محاسبات تولیدکننده ایرانی نیز خواهد شد.

فشار بر تولید پیش از رسیدن به مصرف

یکی از مهم ترین بخش های گزارش مرکز آمار، مربوط به گروه «ماشین آلات و وسایل مکانیکی، ادوات برقی ...» است. این گروه با ضریب اهمیت ۴۳.۴ درصد، بالاترین وزن را در شاخص کالاهای وارداتی دارد. تورم فصلی ریالی این گروه در زمستان ۱۵.۳ درصد، تورم نقطه به نقطه آن ۱۷۶.۶ درصد و تورم سالانه آن ۱۹۰.۷ درصد بوده است. ماشین آلات و تجهیزات، بخشی از سرمایه مورد نیاز برای تولید می هستند. وقتی هزینه خرید تجهیزات وارداتی جهش می کند، هزینه ایجاد یا توسعه یک خط تولید جدید نیز بالا می رود. در چنین شرایطی، بنگاه اقتصادی با سه انتخاب مواجه می شود: افزایش قیمت محصول، کاهش حاشیه سود یا کاهش سرمایه گذاری و توسعه. افزایش قیمت محصول فشار تورمی ایجاد می کند، کاهش حاشیه سود توان بنگاه را کم می کند و کاهش سرمایه گذاری نیز ظرفیت تولید آینده اقتصاد را تحت تأثیر قرار می دهد؛ به همین دلیل، اثر نرخ ارز بر اقتصاد تنها در قیمت دلار یا قیمت کالاهای وارداتی قابل مشاهده نیست، بلکه بخشی از این اثر در هزینه سرمایه گذاری و ظرفیت تولید آینده خود را نشان می دهد. در سایر گروه های وارداتی نیز افزایش قیمت ریالی قابل توجه بوده است. تورم سالانه ریالی محصولات صنایع شیمیایی و صنایع وابسته به آن در زمستان ۱۳۳.۶ درصد، فلزات معمولی و مصنوعات آن ها ۱۴۹.۳ درصد، وسایل نقلیه ۱۲۷.۹ درصد و مواد پلاستیکی و مصنوعات آن ها ۱۵۹.۹ درصد ثبت شده است. این گروه ها اهمیت ویژه ای دارند، زیرا بخش قابل توجهی از آن ها در زنجیره تولید داخلی مورد استفاده قرار می گیرند. مواد شیمیایی، فلزات، پلاستیک، قطعات و تجهیزات در بسیاری از صنایع، خود محصول نهایی نیستند؛ بلکه نهاده تولید محسوب می شوند؛ بنابراین افزایش قیمت آن ها می تواند مانند یک موج در زنجیره تولید حرکت کند.

چرا اثر سیاست ارزی به سفره مردم رسید؟

سؤال اصلی در ارزیابی سیاست ارزی این نیست که آیا ارز تک نرخ می تواند رانت را کاهش دهد یا خیر؛ مسئله مهم این است که هزینه این سیاست چگونه بر اقتصاد اثر می گذارد. وقتی نرخ ارز برای واردات افزایش پیدا می کند، واردکننده باید ریال بیشتری برای خرید همان مقدار ارز پرداخت کند. اگر کالا مصرفی باشد، اثر آن سریع در قیمت بازار دیده می شود، اما اگر کالا



نیما سهیلی

روزنامه نگار

دولت چهاردهم در نیمه دی ماه سال گذشته، سیاست ارزی جدید خود را با هدف حذف رانت و حرکت به سمت ارز تک نرخ اجرا کرد. بر این اساس، ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی و نرخ تالار اول مرکز مبادله که حدود ۸۴ هزار تومان بود حذف شد و نرخ تأمین ارز به سطح تالار دوم، یعنی حدود ۱۲۵ هزار تومان، افزایش یافت؛ نرخ که اکنون به بالای ۱۷۰ هزار تومان رسیده است. به این ترتیب، برای بخش بزرگی از واردات، هزینه ریالی تأمین ارز به شکل قابل توجهی افزایش یافت. مسئله مهم اما اینجاست که واردات در کشورمان صرفاً به کالاهای نهایی مصرفی محدود نیست. بیش از ۸۰ درصد کالاهای وارداتی را کالاهای واسطه ای، مواد اولیه و کالاهای سرمایه ای تشکیل می دهند؛ بنابراین افزایش نرخ ارز، الزاماً به معنای افزایش مستقیم قیمت یک کالای مصرفی وارداتی نیست، بلکه ابتدا هزینه تولیدکننده را افزایش می دهد و سپس با فاصله زمانی کوتاه، خود را در قیمت محصول نهایی (تورم) نشان می دهد.

گزارش شاخص قیمت کالاهای وارداتی فصل زمستان ۱۴۰۴ مرکز آمار، اهمیت این موضوع را به خوبی نشان می دهد. بر اساس این گزارش، شاخص کل قیمت کالاهای وارداتی در زمستان ۱۴۰۴ بر مبنای ریالی به ۲۸۳.۶ رسید. این شاخص نسبت به فصل قبل ۱۲.۰ درصد، نسبت به فصل مشابه سال قبل ۱۵۷.۵ درصد و در چهار فصل منتهی به زمستان، ۱۶۳.۹ درصد افزایش یافته است. اما هنگامی که همین شاخص بر مبنای دلار بررسی می شود، تصویر کاملاً متفاوت است. شاخص دلاری کالاهای وارداتی در زمستان ۱۴۰۴ به ۱۸۴.۹ رسیده و تورم فصلی آن ۶.۴ درصد، تورم نقطه به نقطه ۲۴.۷ درصد و تورم سالانه آن ۲۴.۳ درصد بوده است. طبق این گزارش، قیمت دلاری کالاهای وارداتی در یک سال ۲۴.۷ درصد افزایش یافته، اما قیمت همان کالاها بر مبنای ریالی ۱۵۷.۵ درصد بالا رفته است؛ بنابراین نمی توان جهش قیمت واردات را صرفاً به افزایش قیمت جهانی کالاها نسبت داد، زیرا بخش مهمی از این فشار در فرایند تبدیل هزینه ارزی کالا به هزینه ریالی آن شکل گرفته است. به بیان ساده تر، کالایی که تولیدکننده خارجی با قیمت مشخص دلاری عرضه می کند، هنگامی که وارد اقتصاد ایران می شود، با نرخ بسیار بالاتری از ارز به ریال تبدیل می شود. اگر این کالا

موج خبر

فرشاد مومنی: آیفون ۱۸ دوروزه به ایران رسید!

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی می گوید: در چهار دهه گذشته، سیاست هایی بارها شکست خورده اند، اما دوباره همان سیاست ها با این استدلال که باید یک بار دیگر آنها را آزمایش کنیم، تکرار شده اند، زیرا گاهی منافع گروه های خاص و مافیاهای باعث می شود سیاست های شکست خورده همچنان ادامه پیدا کنند. فرشاد مومنی گفت: قدرت خرید کالا برگی که امروز توزیع می شود، در برابر خسارت هایی که سیاست های تورم زا به معیشت خانوارها وارد کرده، بسیار محدود است. وقتی یک سیاست تورم زا اتخاذ می شود، هزینه آموزش، درمان و حمل و نقل خانوار افزایش پیدا می کند و دسترسی آن به لوازم خانگی و سایر نیازهای ضروری کاهش می یابد. حالا نمی توان با چند گرم گوشت قرمز و سفید و مقداری پنیر، خسارت هایی را که به خانوار وارد شده جبران کرد. او ادامه داد: سیاست های غلط، اقتصاد ملی را تضعیف و کشور را در حوزه هایی که توان تولید داخلی داریم به واردات وابسته می کنند و نتیجه آن افزایش فقر و فشار بر مردم است. همزمان از یک سو درباره فقر و حمایت از مردم سخن گفته می شود و از سوی دیگر، سیاست هایی اجرا می شود که موجب جهش قیمت مواد غذایی، پوشاک، آموزش و سلامت می شود.

مومنی تأکید کرد: مقام پولی باید مسئول حفظ ارزش پول ملی و کنترل تورم باشد، اما اگر به جای انجام این وظایف، از محل واردات طلا یا سوداگری در بازار ارز به سودهای بالا دست پیدا کند، این مسئله نیازمند بررسی جدی است. رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد با انتقاد از برخی استدلال ها گفت: امروز گاهی اظهاراتی درباره سیاست های اقتصادی مطرح می شود که با اصول اولیه علمی سازگار نیست. اگر سیاستی موجب افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی شود و بخش بزرگی از مردم را تحت فشار قرار دهد، نمی توان بعداً گفت اگر این سیاست اجرا نمی شد، قحطی رخ می داد. در اقتصادی که بخش عمده نیازهای اساسی آن در داخل تولید می شود و واکنش تولیدکننده، به ویژه در بخش کشاورزی، با وقفه زمانی نسبت به تغییرات قیمت صورت می گیرد، نمی توان انتظار داشت که یک شوک قیمتی امروز، بلافاصله تولید فردا را افزایش دهد. او گفت: در شرایطی که ایران از سوی مقامات آمریکایی تحت فشار شدید تحریمی معرفی می شود، همزمان شاهد ورود سریع برخی کالاهای مصرفی و فناوری های جدید به بازار ایران هستیم. مومنی با اشاره به عرضه سریع آیفون ۱۸ در ایران به فاصله ۴۸ ساعت پس از رونمایی آن در آمریکا گفت: بلافاصله پس از این عرضه نیز تمام آیفون ها به فروش رسید. این مسئله پرسش های مهمی درباره ساختار واردات، مسیرهای تأمین کالا و اولویت های ارزی کشور ایجاد می کند.

نوبنیاد از تاثیر مصاحبه‌های پزشکيان در اقتصاد آمريکا گزارش می‌دهد؛

سیگنال از پاس‌تور برای نجات ترامپ

در حالی که روند شاخص‌های اقتصادی آمریکا رو به وخامت بود و رکوردهای منفی جدیدی را ثبت می‌کرد، ناجی همیشگی وارد عمل شد؛ مسعود پزشکیان، رئیس دولت، در مصاحبه با فاکس نیوز چنان مشتاقانه درباره مذاکره سخن گفت که روند رو به وخامت شاخص‌های اقتصادی معکوس شد و بازارها به ثبات نسبی رسیدند.

آتش جنگ آمریکا علیه ایران، شاخص‌های مهم اقتصاد آمریکا را شعله‌ور کرده و رکوردهای منفی جدیدی را در پایان هفته گذشته ثبت کرد. در آمریکا، میانگین قیمت بنزین و گازوئیل به ترتیب به ۴.۵ و ۶.۵ دلار رسیده، نرخ بهره اوراق خزانه‌داری این کشور به بالاترین رقم در ۲۰ سال اخیر رسیده و نرخ وام مسکن هم در آستانه ثبت بالاترین رکورد در ربع قرن اخیر است.



هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

خدمتی که مقامات دولت پزشکيان به اقتصاد آمریکا و ترامپ کرده‌اند، شاید خود ترامپ و همکارانش در دولت آمریکا نکرده باشند. هر زمان که شاخص‌های اقتصادی در آمریکا در وضعیت بحرانی قرار می‌گیرند، یک اظهار نظر از طرف مقامات دولت پزشکيان، همچون آبی برآتش، بازارهای آمریکا را به ساحل آرامش می‌رساند. حتی ترامپ و دیگر مقامات دولت آمریکا هم به دلیل لاف‌های مکرر و بی اعتبار شدن در افکار عمومی، نمی‌توانند به اندازه مقامات دولت پزشکيان با اظهاراتشان شاخص‌های اقتصادی آمریکا را آرام کنند؛ اما مقامات دولت پزشکيان موفق شده‌اند این خلأ را برای ترامپ پر کنند. گزارش پنجشنبه گذشته رویترز نشان داد که بازده اوراق خزانه‌داری ۲۰ ساله آمریکا به ۵.۴۸ درصد رسیده است؛ سطحی که از سال ۲۰۰۴ تاکنون مشاهده نشده بود. هم‌زمان، بازده اوراق ۱۰ ساله نیز به ۵.۲۰ درصد رسید. افزایش بازده به معنای کاهش قیمت اوراق است و ادامه این روند نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران برای نگهداری اوراق بلندمدت آمریکا بازده بیشتری مطالبه می‌کنند و در نتیجه هزینه استقراض برای دولت ترامپ به شکل تصاعدی در حال افزایش است. این مسئله اهمیت زیادی دارد؛ زیرا افزایش بازده اوراق دولتی به تدریج به افزایش هزینه استقراض در کل اقتصاد ختم می‌شود.

هزینه وام خرید مسکن زیر فشار نرخ بهره

یکی از نخستین بخش‌هایی که این فشار را مستقیماً احساس می‌کند، بازار مسکن است. نرخ وام مسکن ثابت ۳۰ ساله آمریکا به ۷.۴۵ درصد رسید که بالاترین رقم در ۳ سال اخیر به شمار می‌رود. این افزایش نرخ باعث شده قسط ماهانه یک وام مسکن ۵۰۰ هزار دلاری به ۳,۴۷۹ دلار برسد، در حالی که همین وام تنها ۷ ماه پیش، قسط ماهانه ۲,۹۹۵ دلاری داشت. این مقایسه نشان می‌دهد جنگ آمریکا علیه ایران باعث شده خریداران مسکن اکنون سالانه ۵,۸۱۳ دلار هزینه بهره اضافی پرداخت کنند. افزایش نرخ وام همچنین برخی متقاضیان را به سمت وام‌های با

نرخ شناور سوق داده است؛ وام‌هایی که در ابتدا هزینه کمتری دارند، اما در ادامه با تغییر نرخ‌های بازار، بازتنظیم می‌شوند. به این ترتیب، افزایش بازده اوراق که در ابتدا در بازار مالی رخ می‌دهد، در نهایت می‌تواند خود را در هزینه خرید خانه و تصمیم خانوارها برای مصرف و سرمایه‌گذاری نشان دهد.

فشار مستقیم بر خانوار آمریکایی

بازار انرژی نیز یکی دیگر از نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد آمریکاست. جنگ علیه ایران موجب اختلال در مسیرهای انتقال نفت و افزایش قیمت انرژی شده است. تنگه هرمز، پیش از جنگ، مسیر عبور حدود یک پنجم عرضه جهانی نفت و گاز بود و اختلال در این مسیر، بازار جهانی انرژی را با شوک عرضه مواجه کرد. قیمت دیزل در آمریکا به بالای ۶.۵ دلار به ازای هر گالن رسیده است. موجودی دیزل آمریکا نیز حدود ۱۳ درصد پایین‌تر از میانگین پنج‌ساله قرار دارد. فشار قیمت دیزل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این سوخت فقط برای خودروهای شخصی مصرف نمی‌شود، بلکه کامیون‌ها، قطارها، کشتی‌ها، ماشین‌آلات سنگین و تجهیزات کشاورزی به دیزل وابسته‌اند. رویترز در گزارشی اعلام کرد که حدود ۸۰ درصد مصرف دیزل آمریکا، معادل حدود سه میلیون بشکه در روز، به حمل‌ونقل اختصاص دارد؛ بنابراین افزایش قیمت دیزل می‌تواند هزینه جابه‌جایی کالا را در سراسر اقتصاد بالا ببرد و در نهایت به قیمت کالاهای مصرفی منتقل شود. به بیان دیگر، نفت گران تنها به معنای بنزین گران‌تر نیست؛ بلکه می‌تواند هزینه تولید، حمل‌ونقل، کشاورزی، خرده‌فروشی و توزیع کالا را نیز افزایش دهد.

تورم؛ درد اصلی ترامپ

این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که تورم آمریکا همچنان بالاتر از هدف ۲ درصدی فدرال رزرو قرار دارد. از نگاه سیاست‌گذار پولی، افزایش قیمت انرژی خطرناک است؛ زیرا ممکن است یک شوک موقت عرضه را به افزایش گسترده‌تر قیمت‌ها تبدیل کند. اگر هزینه سوخت بالا برود، شرکت‌های حمل‌ونقل کرایه بیشتری طلب می‌کنند، تولیدکنندگان هزینه مواد اولیه و جابه‌جایی بیشتری

متحمل می‌شوند و در نهایت بخشی از این هزینه‌ها به مصرف‌کننده منتقل می‌شود. به همین دلیل، افزایش قیمت نفت می‌تواند کار فدرال رزرو برای مهار تورم را دشوارتر کند. فدرال رزرو در نشست سه‌شنبه ۲۴ شهریور، نرخ بهره سیاستی را ۲۵ واحد پایه افزایش داد و دامنه آن را به ۳.۷۵ تا ۴ درصد رساند. پس از آن نیز برخی مقام‌های بانک مرکزی آمریکا درباره احتمال افزایش‌های بیشتر نرخ بهره هشدار دادند. داده‌های مربوط به فعالیت اقتصادی نیز نگرانی‌ها را دوچندان کرده است. فدرال رزرو اعلام کرد تولید کارخانه‌ای آمریکا در ماه اوت ۰.۳ درصد کاهش یافته است؛ نخستین افت پس از هفت ماه رشد متوالی. رویترز در روز جمعه ۲۷ شهریور نوشت که افزایش قیمت نفت، نرخ‌های بهره بالا و تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌توانند در ماه‌های آینده بر فعالیت صنعتی فشار وارد کنند. در نتیجه، اقتصاد آمریکا با وضعیتی پیچیده مواجه است؛ از یک سو تورم همچنان بالاست و از سوی دیگر افزایش نرخ بهره می‌تواند به بخش واقعی تولید و تقاضا آسیب بزند.

چرا سیگنال مذاکره به نفع ترامپ است؟

از ابتدای جنگ، اختلال در تردد نفت‌کش‌ها در تنگه هرمز و نگرانی از گسترش درگیری باعث افزایش قیمت نفت و سوخت شد. این افزایش قیمت نیز به سرعت به تورم، بازده اوراق و انتظارات تورمی پیرامون سیاست‌های انقباضی فدرال رزرو سرایت کرد.

اما در روزهای اخیر، نشانه‌های مربوط به احتمال ازسرگیری مذاکرات میان ایران و آمریکا و امکان بازگشایی تنگه هرمز، جهت‌گیری بخشی از این فشارها را تغییر داده است. اگر احتمال بازگشایی تنگه هرمز قوت بگیرد، فشار بر قیمت نفت و سوخت کاهش پیدا می‌کند؛ این امر نیز می‌تواند تب‌تورم را فرو بنشانند و در نتیجه، بخشی از نگرانی‌های بازار درباره تداوم سیاست‌های تهاجمی فدرال رزرو در افزایش نرخ بهره را تعدیل کند. در واقع، تحولات دیپلماتیک ایران و آمریکا طی روزهای اخیر دست‌کم سرعت وخامت برخی شاخص‌ها را مهار کرده است؛ قیمت نفت از اوج‌های اخیر عقب‌نشسته، فشار بر بازار انرژی تا حدی فروکش کرده و بازار اوراق نیز بخشی از التهابات خود را تعدیل کرده است.

موج خبر

گندم‌کاران همچنان چشم‌انتظار؛ دولت فقط وعده می‌دهد

مطالبات گندم‌کاران امسال به یکی از طولانی‌ترین پرونده‌های پرداخت دولت در کشاورزان تبدیل شده؛ پرونده‌ای که هربار با اعلام یک رقم جدید و وعده پرداخت، وارد مرحله تازه‌ای می‌شود، اما بخش قابل توجهی از کشاورزان همچنان برای دریافت پول محصول تحویل‌شده خود منتظر مانده‌اند. این وضعیت در شرایطی رخ داده که برای خرید تضمینی گندم در قانون بودجه ۱۴۰۵ منابع قابل توجهی پیش‌بینی شده است. آخرین مرحله پرداخت مطالبات در ۲۵ شهریورماه انجام شد. همان روز حسن نوروزی، مدیرعامل سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها، اعلام کرد که ۵۵ هزار میلیارد تومان دیگر از مطالبات گندم‌کاران پرداخت می‌شود و با این مرحله، مجموع پرداخت‌ها به ۲۷۵ هزار میلیارد تومان خواهد رسید. این در حالی بود که پیش‌تر وعده پرداخت ۱۰۰ همت دیگر تا پایان شهریورماه مطرح شده بود؛ وعده‌ای که در نهایت به پرداخت ۵۵ همت ختم شد و تسویه کامل مطالبات در موعد اعلام‌شده اتفاق نیفتاد. پس از پرداخت ۵۵ همتی، مطالبات گندم‌کارانی که ۲۰ تا ۲۰۰ خرداد محصول خود را تحویل داده بودند به ۹۵ درصد رسید، اما برای تحویل دهندگان در بازه ۲۱ خرداد تا ۸ تیر این میزان ۷۷ درصد، برای ۹ تیر تا ۱۹ مرداد ۵۱ درصد و برای تحویل دهندگان از ۲۰ مرداد تا ۲۱ شهریور تنها ۲۰ درصد اعلام شد.

نوبنیاد چند روز پیش در همین رابطه با علی قلی ایمانی، مدیرعامل بنیاد ملی گندم‌کاران کشور، گفت‌وگو کرد تا آخرین وضعیت پرداخت مطالبات و پیامدهای آن برای تولید را بررسی کند. ایمانی در این گفت‌وگو با اشاره به خرید بیش از ۸.۵ میلیون تن گندم به ارزش حدود ۴۲۰ هزار میلیارد تومان گفت: تا پایان ۲۰ شهریورماه ۲۱۸ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به حساب کشاورزان واریز شده بود و روز ۲۶ شهریور نیز ۵۵ هزار میلیارد تومان دیگر پرداخت شد؛ بنابراین تاکنون حدود ۲۷۵ هزار میلیارد تومان، (۶۵.۴ درصد) از کل مطالبات ۴۲۰ هزار میلیاردی گندم‌کاران تسویه شده است. او همان زمان با اشاره به وعده پرداخت ۱۰۰ هزار میلیارد تومان، تصریح کرد: تحقق وعده‌های داده‌شده مبنی بر تسویه کامل مطالبات تا پایان شهریورماه بسیار بعید به نظرمی‌رسد؛ زیرا در این مرحله وعده پرداخت ۱۰۰ هزار میلیارد تومان داده شده بود، اما در عمل به ۵۵ هزار میلیارد تومان تقلیل یافت. ایمانی علت پرداخت‌های قطره‌چکانی را در حوزه اختیارات و عملکرد سازمان برنامه و بودجه دانست و یادآور شد که در قانون بودجه امسال ۵۰۴ هزار میلیارد تومان برای خرید تضمینی گندم و یارانه‌های این بخش پیش‌بینی شده است. ایمانی همچنین نسبت به پیامدهای این تأخیر هشدار داد و افزود: امسال تولید گندم به حدود ۱۴ میلیون تن رسیده، اما خرید تضمینی تنها حدود ۸.۵ میلیون تن بوده است. اگر مطالبات به موقع پرداخت نمی‌شود، امکان خرید حداقل ۱۰ میلیون تن گندم وجود داشت و کشور در تأمین گندم خبازی نیازی به واردات نداشت.

اکنون و در تازه‌ترین اقدامات، سید حمید پورمحمدی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، درباره وضعیت مطالبات گندم‌کاران اعلام کرد که حدود ۲۶۰ تا ۳۰۰ هزار میلیارد تومان پرداخت‌شده و بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان باقی مانده که به زودی پرداخت آن را آغاز خواهد شد. به این ترتیب، پرونده مطالبات گندم‌کاران بار دیگر با یک وعده جدید وارد مرحله انتظار شده است؛ وعده‌ای که این بار از سوی رئیس سازمان برنامه و بودجه مطرح شده، اما هنوز جزئیات زمان و نحوه پرداخت آن اعلام نشده است. اهمیت موضوع فراتر از بهی دولت به کشاورزان است؛ زیرا ادامه تأخیر می‌تواند نقدینگی لازم برای کشت پاییزه را کاهش دهد و انگیزه تحویل گندم به شبکه خرید تضمینی را تضعیف کند. در چنین شرایطی، اگر کاهش خرید داخلی به واردات گندم منجر شود، دولت باید برای تأمین محصول مورد نیاز کشور از اختصاص دهد؛ آن هم در شرایطی که خود مسئولان بارها از محدودیت منابع ارزی سخن گفته‌اند.

آب روی آتش وال استریت

بررسی روند متغیرهای طی ۷ ماه جنگ اخیر نشان می‌دهد بزرگ‌ترین شوک‌های مثبت به شاخص‌های اقتصادی آمریکا زمانی وارد آمده که مقامات دولت پزشکيان، سیگنال‌هایی مبنی بر آمادگی برای مذاکره و پایان قریب الوقوع جنگ مغایره کرده‌اند.

ترامپ از ابتدای جنگ تاکنون تلاش کرده با کوتاه‌مدت و موقتی جلوه دادن این نبرد، مانع از فروپاشی شاخص‌های اقتصادی شود و هزینه‌های اقتصادی و سیاسی آن را به حداقل برساند. تداوم جنگ و مقاومت ایران اما سبب شده اعتبار اظهارات ترامپ و اعضای کابینه‌اش بیش از پیش رنگ و بایزاد و اثرگذاری سخنان آنان بر آرام‌سازی بازارها به حداقل برسد؛ با این حال، اظهارات بیابنی مقامات دولت ایران و به‌ویژه شخص مسعود پزشکیان، به بزرگ‌ترین دستاویزی تبدیل شده که ترامپ برای مدیریت روانی بازارها به آن تکیه می‌کند.

مهدی خانعلی زاده استاد روابط بین الملل در گفت و گو با نوبنیاد:

افزایش احتمال جنگ؛ دستاورد سفر نیویورک

سفر اخیر مسعود پزشکیان و سیدعباس عراقچی به نیویورک و مواضع مطرح شده از سوی رئیس جمهور در گفت و گو با رسانه های آمریکایی، به ویژه اظهارات او درباره امکان «رفیق کردن» اورانیوم ۶۰ درصد، بار دیگر بحث درباره نحوه بازنمایی قدرت ایران در عرصه بین المللی را به میان آورده است. آیا چنین موضعی می تواند از سوی طرف مقابل به عنوان نشانه ای از آمادگی ایران برای امتیازدهی تفسیر شود؟ برای بررسی ابعاد این موضوع و با نگاهی فراتر از مناقشات روزمره سیاسی، به سراغ مهدی خانعلی زاده استاد روابط بین الملل دانشگاه رفتیم. در این گفت و گو، از منظر نظریه های واقع گرایی و نئورئالیسم، مفهوم باز زندگی، موازنه قوا، سیگنال دهی و ادراک قدرت را بررسی کرده ایم و در کنار آن، به تجربه تاریخی و مباحثات نیز پرداخته ایم؛ تجربه ای که در ادبیات روابط بین الملل درباره پیامدهای برداشت طرف مقابل از امتیازدهی و عقب نشینی، درس های مهمی دارد.

خودشان این مصاحبه را به عنوان یک گفت و گوی سخت و پرسشگری تهاجمی معرفی کردند. سؤال اینجاست که چرا باید رئیس جمهور ایران در چنین فضایی، به جای مطالبه گیری از طرف مقابل، در موضع پاسخ گویی درباره امتیازدهی احتمالی قرار بگیرد؟

حداقل باید منطق گفت و گو بر این اساس قرار می گرفت که ایران کشوری نیست که با تهدید نظامی یا فشار سیاسی بتوان از آن امتیاز گرفت.

اگر خبرنگار درباره اورانیوم ۶۰ درصد سؤال می کند، پاسخ باید از حقوق هسته ای ایران شروع شود؛ از اینکه چرا ایران به چنین سطحی از غنی سازی رسیده، چه اقداماتی از سوی طرف مقابل انجام شده و چرا آمریکا و اروپا باید درباره تعهدات خود پاسخ گو باشند.

در سیاست بین الملل، بازنمایی ضعف می تواند محاسبات طرف مقابل را تغییر دهد. وقتی دشمن احساس کند فشار نظامی نتیجه می دهد، احتمال اینکه دوباره به ابزار نظامی فکر کند، افزایش پیدا می کند. جنگ تحمیلی تصمیم طرف مقابل است؛ اما ما باید ببینیم آیا رفتار خودمان هزینه تصمیم دشمن را بالا می برد یا پایین می آورد. اگر طرف مقابل به این نتیجه برسد که ایران تحت فشار حاضر است امتیاز بدهد، طبیعی است که در محاسبات خود فشار را افزایش دهد. این فشار الزاماً فقط اقتصادی و دیپلماتیک هم نیست و می تواند در نهایت به گزینه نظامی برسد. دولت و دستگاه دیپلماسی در حال تکرار سه بازاری تمام اشتباهاتی است که در دو سال اخیر انجام داد و زمینه را برای شکل گیری اراده ای جنگ در دشمن فراهم کرد. دستاورد سفر نیویورک رئیس جمهور و وزیر امور خارجه افزایش احتمال اقدام نظامی علیه ایران بود.

در نهایت راه حل چیست؟ چگونه می توان جلوی تکرار چنین موضعی را گرفت که به گفته شما برای کشور هزینه ساز است؟

اول باید یک فهم مشترک از واقعیت نظام بین الملل در ساختار تصمیم گیری کشور ایجاد شود. نمی توان با این تصور که اگر ما پیام صلح بفرستیم، طرف مقابل هم الزاماً صلح خواهد کرد، سیاست خارجی را پیش برد. دیپلماسی باید در خدمت قدرت ملی باشد، نه جایگزین قدرت ملی. مذاکره زمانی می تواند مؤثر باشد که طرف مقابل بداند اگر توافق نکند، گزینه های دیگری نیز روی میز ایران وجود دارد.

جنگ را تا ایران ادامه دهند، اما این اتفاق نیفتاد. چرا؟ چون در آن مقطع، بازنمایی قدرت ایران و اقداماتی که ایران انجام داد، این محاسبه را برهم زد. مشکل این است که در دوره پس از طوفان الاقصی، مجموعه ای از رخدادها به گونه ای رقم خورد که تصویری متفاوت از ایران شکل گرفت؛ تصویری که در آن، دشمن به جای دیدن هزینه های اقدام علیه ایران، به این نتیجه رسید که شاید بتواند با فشار بیشتر به نتیجه برسد. این مساله امروز هم در پرتو سخنان اخیر مقامات دولتی در نیویورک تشدید شده است.

پس شما معتقدید آغاز جنگ، الزاماً نتیجه شکست دیپلماسی یا شکست مذاکرات نیست، بلکه محاسبه طرف مقابل درباره میزان ضعف ایران در شکل گیری آن نقش داشت؟

در مقطعی که مذاکرات هسته ای در جریان بود، ایران حتی بنا بر برخی اظهارات طرف های درگیر در مذاکرات، آمادگی ارائه امتیازات قابل توجهی را داشت؛ اما مدت کوتاهی بعد جنگ آغاز شد. این نشان می دهد که مسئله صرفاً میزان امتیازی که ایران روی میز مذاکره می گذارد، نبود.

اگر طرف مقابل به این جمع بندی رسیده باشد که فشار بیشتر می تواند ایران را به عقب نشینی وادار کند، اتفاقاً مذاکره هم ممکن است به جای جلوگیری از جنگ، در محاسبات او به ابزار دیگری برای افزایش فشار تبدیل شود.

با این نگاه، عملکرد رئیس جمهور و وزیر امور خارجه در نیویورک را چگونه ارزیابی می کنید؟

آنچه در نیویورک اتفاق افتاد، از منظر بازنمایی قدرت ایران، نگران کننده بود. من معتقدم مواضع و رفتارهای دولت در این سفر، به جای اینکه برای طرف مقابل ابهام ایجاد کند که ایران همچنان ایستاده و حاضر نیست از حقوق و منافع خود عقب نشینی کند، در مواردی این تصور را تقویت کرد که فشار بیشتر می تواند نتیجه بدهد.

حتی عنوانی که فاکس نیوز برای معرفی مصاحبه انتخاب کرده بود، قابل تأمل است. آنها از تعبیر «گریل کردن» رئیس جمهور ایران استفاده کردند؛ یعنی

حسام یاردوست
روزنامه نگار

مشروح این گفت و گو را در ادامه می خوانید:

آقای پزشکیان در گفت و گو با فاکس نیوز، در پاسخ به سؤال خبرنگار این شبکه درباره اورانیوم ۶۰ درصد، به جای تأکید بر حقوق هسته ای ایران، از آمادگی برای «رفیق کردن» این ذخایر سخن گفت. آیا چنین موضعی، به معنای ارسال پالس ضعف به طرف مقابل نیست؟

به نظر من مجموعه مواضع، اقدامات و سخنان آقای پزشکیان و آقای عراقچی در نیویورک بار دیگر به بازنمایی ضعف از ایران کمک کرد و این تصویر را تثبیت کرد. مسئله اصلی تصویری است که مجموعه رفتارهای سیاسی و دیپلماتیک دولت از ایران به طرف مقابل منتقل می کند.

متأسفانه به نظر می رسد دولت و دستگاه دیپلماسی، برای چندمین بار در دو سال گذشته، همان خطاهایی را تکرار می کنند که زمینه شکل گیری اراده جنگ در دشمن را فراهم کرده است. حاصل این سفر نیز، از این منظر، نه افزایش باز زندگی، بلکه افزایش احتمال اقدام نظامی علیه ایران بود.

شما از «بازنمایی ضعف» سخن می گوید. منظورتان دقیقاً چیست؟ آیا ایران واقعا ضعیف شده یا مسئله، تصویری است که از قدرت ایران به طرف مقابل منتقل می شود؟

این دو موضوع را باید از هم تفکیک کرد. ممکن است یک کشور در میدان، ظرفیت های قدرت قابل توجهی داشته باشد، اما اگر نتواند این قدرت را به درستی به طرف مقابل نشان دهد، دشمن ممکن است محاسبه دیگری انجام دهد.

تاریخ هم نمونه هایی برای این موضوع دارد. بعد از جنگ افغانستان و عراق، آمریکایی ها در سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ این تصور را داشتند که می توانند دومینوی

استقبال ناخواسته پاستوراز جنگ

مجموعه مواضع، اقدامات و سخنان آقای پزشکیان و آقای عراقچی در نیویورک بار دیگر به بازنمایی ضعف از ایران کمک کرد و این تصویر را تثبیت کرد. مسئله اصلی تصویری است که مجموعه رفتارهای سیاسی و دیپلماتیک دولت از ایران به طرف مقابل منتقل می کند. متأسفانه به نظر می رسد دولت و دستگاه دیپلماسی، برای چندمین بار در دو سال گذشته، همان خطاهایی را تکرار می کنند که زمینه شکل گیری اراده جنگ در دشمن را فراهم کرده است. حاصل این سفر نیز، از این منظر، نه افزایش باز زندگی، بلکه افزایش احتمال اقدام نظامی علیه ایران بود.

یادداشت

صحنه بی سابقه انزوای اسرائیل

محسن پوردادفر
روزنامه نگار

صحنه ای که حین سخنرانی نخست وزیر رژیم جعلی صهیونیستی در سازمان ملل متحد رقم خورد، بیش از هر چیز نشان دهنده انزوای عمیق و بی سابقه ی رژیم صهیونیستی و شخص نتانیا هو بود. وقتی نخست وزیر این رژیم جنایتکار پشت تریبون مجمع عمومی ایستاد، ده ها هیئت نمایندگی سالن را ترک کردند تا جایی که سالن مجمع خالی از جمعیت شد. این خروج دسته جمعی، نه یک اعتراض نمادین، بلکه فریاد بلند جامعه ی جهانی علیه جنایات جاری در غزه و کرانه باختری بود. نتانیا هو که با حکم بازداشت دیوان کیفری بین المللی به عنوان جنایتکار جنگی شناخته می شود، تلاش کرد با لحنی پر خاشاکرانه منتقدان را «بزدل» بخواند. اما واقعیت تلخ تر از آن بود که او بتواند با کلماتش بیوشاند. رهبران کشورهای اروپایی و عربی روز قبل از او در همان سالن، رژیم صهیونیستی را به خاطر کشتار گسترده کودکان و محاصره ی غزه محکوم کرده بودند. نخست وزیر انگلیس از مرگ هزاران غیر نظامی سخن گفت و رئیس جمهور فرانسه از نقض روزانه حقوق فلسطینیان در کرانه باختری یاد کرد. حتی متحدان سنتی این رژیم هم دیگر نمی توانند چشم بر واقعیت ببندند. در خیابان های نیویورک هم همین انزوا خود را نشان داد. حدود چند صد نفر از معترضان، از جمله بازیگران و چهره های شناخته شده ای چون سوزان ساراندون و هانا اینبایندر، مقابل مقر سازمان ملل تجمع کردند. پلیس نیویورک حدود صد نفر را بازداشت کرد، اما صدای اعتراض خاموش نشد. معترضان با شعار «نتانیا هو به جهنم» و «فلسطین را آزاد کنید» اعلام کردند که این رژیم حق ندارد از تریبون سازمان ملل برای توجیه جنایاتش استفاده کند. در همان حال، گروه های حقوق بشری سازمان ملل را متهم کردند که میزبان یک جنایتکار جنگی شده است. نتانیا هو در سخنرانی اش کوشید با حمله به شهردار نیویورک و برخی کشورهای اروپایی، توپ را به زمین دیگران بیندازد. او ادعا کرد اسرائیل مرتکب نسل کشی نشده، بلکه از آن جلوگیری کرده است. این ادعا در حالی مطرح شد که هزاران کودک در غزه کشته شده اند و گزارش های متعدد بین المللی از نابودی سیستماتیک زیرساخت های حیاتی سخن می گویند. حتی تلاش او برای ملاقات های دیپلماتیک هم محدود به چند کشور کوچک بود و از دیدار با رئیس جمهور آمریکا خبری نبود.

این صحنه، نتیجه ی مستقیم سیاست های اشغالگرانه و کشتار بی وقفه ی رژیم صهیونیستی است. وقتی ده ها هیئت نمایندگی سالن را ترک می کنند و خیابان های نیویورک پر از شعارهای ضد صهیونیستی می شود، دیگر نمی توان از انزوا سخن گفت. نتانیا هو که برای انتخابات داخلی خود به این تریبون نیاز داشت، با تصویری از یک رهبر منزوی و مورد نفرت جهانی مواجه شد. مقاومت مردم فلسطین و وجدان بیدار ملت ها نشان داد که رژیم صهیونیستی هر چند به حمایت برخی قدرت ها تکیه کند، نمی تواند حقیقت جنایاتش را پنهان سازد. انزوا امروز این رژیم، آغاز راهی است که به پایان اشغال و تحقق حقوق مردم فلسطین می انجامد.

یادداشت

پاسخ تحریمی
به لبخند دیپلماتیکپدرام حسینی
روزنامه‌نگار

درست در روزهایی که رئیس‌جمهور و وزیر خارجه در نیویورک مشغول دیدارهایی هستند که درباره دستاورد عملی آنها ابهام جدی وجود دارد، گزارش‌ها از تشدید فشار آمریکا برای ایجاد محدودیت علیه خطوط هوایی ایران حکایت دارد. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری دولت ترامپ، از فشار واشنگتن بر کشورهای مختلف برای همراهی با این سیاست سخن گفته و نام کشورهای مانند امارات، گرجستان، جمهوری باکو و اوغانی و عمان و همچنین برخی فرودگاه‌های ترکیه و مسیرهای مرتبط با عراق در میان کشورهای مطرح شده که محدودیت‌هایی را اعمال کرده‌اند. اگر این روند ادامه یابد، معنای آن چیزی جز گسترش محاصره اقتصادی به عرصه حمل‌ونقل و ارتباطات هوایی نیست.

تلخ‌تر اینکه برخی از همین کشورها در ماه‌های گذشته محل گفت‌وگو و رایزنی و خوش بینی‌های ساده لوحانه دولت بوده‌اند. پزشک‌های در اجلاس بریکس دهلی‌نواز عبور از گذشته روابط با امارات کشوری سخن گفت که از هر همراهی با آمریکا و اسرائیل بر علیه ایران دریغ نکرد، اما امارات از نخستین کشورهایی بود که در محدودیت‌های هوایی علیه ایران همراهی کرد. این کشور در زمان سخنرانی بنیامین نتانیا‌هو، برخلاف بسیاری از هیأت‌ها، سالن را ترک نکرد. درباره جمهوری باکو نیز در حالی که پزشک‌های نگاه فراتر از برادری به حاکمان باکو به دلیل تعلقات قومیتی خود دارد، باکو نیز در زمره نخستین همراهان محدودیت‌های هوایی قرار گرفته است.

موضوع زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که آمریکا بدون پرده‌پوشی از تریبون سازمان ملل ایران را تهدید می‌کند و بسنت حتی با ادبیاتی تمسخرآمیز درباره چگونگی بازگشت هیأت ایرانی در صورت قطع خدمات هوایی و سوخت‌رسانی سخن می‌گوید. در چنین شرایطی انتظار می‌رود دستگاه دیپلماسی به جای ملاقات‌های بی‌حاصل با کشورهای نظیر انگلیس و برخی دیگر از کشورهای اروپایی و مقامات اتحادیه اروپا که در منازعه اخیر موضعی همسو با واشنگتن داشته، با کشورهای منطقه وارد رایزنی جدی شود و برای رفتارهای خصمانه، پاسخ سیاسی و در صورت لزوم اقدام متناسب و تنبیهی تعریف کند.

اما ظاهراً بار دیگر «مذاکره» بر «مقابله» غلبه کرده است؛ از مواضع محل بحث پزشک‌های گفت‌وگو با فاکس نیوز و رسانه‌های آمریکایی تا امید بستن مجدد به تفاهم اسلام‌آباد و اصرار بر احیای چارچوبی که ترامپ آن را کاغذ پاره خواند. این همان بیماری مزمنی است که طی سالهای بعد از شهادت شهید سلیمانی، هزینه‌های سنگینی به کشور تحمیل کرده است: دشمن فشار می‌آورد، طرف ایرانی به میز مذاکره بازمی‌گردد؛ دشمن تعهد می‌دهد، عمل نمی‌کند، ترور یا جنگ اتفاق می‌افتد و باز هم امید به دور بعدی گفت‌وگو زنده می‌شود. اکنون حتی پس از سال‌ها تجربه و در شرایطی که کشور با جنگ ترکیبی، فشار اقتصادی، تهدید نظامی و محاصره دیپلماتیک مواجه است، نشانه‌روشنی از تغییر این رویکرد دیده نمی‌شود. آنچه باید به دیپلماسی مقتدر، صریح و بازدارنده تبدیل شود، همچنان درگیر سفرهای پرهزینه، ملاقات‌های بی‌ثمر و مواضع بعضاً سنجیده است.

همزمان با آنکه عراقی از پیشنهاد بازگشایی تنگه در پایان هفت روز خبر داد و پزشک‌های رقیق‌سازی اورانیوم ۶۰ درصد و بازرسی را پذیرفت همچنان انتقال سنگین تسلیحات آمریکایی به منطقه ادامه دارد

دیپلماسی ضعیف، مقدمه جنگ سوم

اعلام کرد. این مواضع در حالی مطرح می‌شود که پس از دو دور مذاکره فریبنده و جنگی که تا شهادت رهبری انقلاب پیش رفت، دیدار سوم با ویتکاف و کوشنر برگزار شده است. نتیجه یک‌سال و نیم گذشته، دو جنگ، گستاخ‌ترشدن ترامپ و نتانیا‌هو و از دست رفتن اهرم هرمز در ازای محاصره دریایی بوده است.

دیپلماسی ذلت‌بار دیگر در حال بازکردن مسیر جنگ است. عباس عراقچی طرح هفت‌روزه‌ای برای بازگشایی تنگه هرمز و ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای به آمریکا پیشنهاد کرده و منتظر پاسخ است. پزشک‌های در گفت‌وگو با فاکس نیوز رقیق‌سازی اورانیوم ۶۰ درصد، قبول کردن بازرسی از تاسیسات بمباران شده را

دیپلماسی
ضعیف و
مقدمه سازی
مجدد برای
جنگ

نیویورک تایمز از زبان عراقچی از طرح هفت‌روزه بازگشایی هرمز و مذاکره هسته‌ای خبر می‌دهد. ان‌بی‌سی جزئیات بیشتری نقل می‌کند و پزشک‌های در فاکس نیوز تصویر کاملاً واداده و ضعیف از کشور ارائه می‌دهد.

دیدار سوم عراقچی با ویتکاف و کوشنر پس از دو دور فریب و جنگی که تا ترور رهبری رفت، نقد شدید ملت را برانگیخته است. این مسیر در کنار انتقال سنگین تجهیزات آمریکایی و اروپایی به منطقه، نشان از قریب‌الوقوع بودن دور جدید جنگ در سایه دیپلماسی ذلت‌بار پزشک‌های عراقچی و قالیباف دارد.

صدای بای جنگ مجدد

اگر این اخبار را در کنار ترافیک سنگین انتقال تجهیزات و سلاح‌ها از پایگاه‌های آمریکایی و اروپایی به منطقه بگذاریم، تصویر روشنی به دست می‌آید: دور جدید جنگ بار دیگر در سایه دیپلماسی التماسی که توسط پزشک‌های، عراقچی و قالیباف در حال اجراست، قریب‌الوقوع به نظر می‌رسد. نتیجه این مسیر در طول یک‌سال و نیم گذشته دو جنگ تمام‌عیار، گستاخ‌ترشدن دونالد ترامپ و بنیامین نتانیا‌هو و شهادت رهبری انقلاب شهید سیدعلی خامنه‌ای بوده است. دیپلماسی که به جای استفاده از اهرم‌های قدرت، آن‌ها را یکی یکی واگذار می‌کند، نه تنها به صلح نمی‌انجامد، بلکه دشمن را تشویق به پیشروی بیشتری کند.

تجربه برجام و سپس توافق اسلام‌آباد نشان داد که طرف مقابل هر بار پس از گرفتن امتیاز، تعهدات خود را زیر پا می‌گذارد و ایران را در موقعیت ضعیف‌تری قرار می‌دهد. اکنون نیز با پیشنهاد بازگشایی هرمز در ازای مذاکره، عملاً کارت اصلی فشار ایران در خلیج فارس را پیشاپیش روی میز گذاشته‌اند. این در حالی است که ملت ایران پس از تحمل هزینه‌های سنگین دو جنگ اخیر، انتظار ایستادگی و استفاده هوشمندانه از اهرم‌ها را دارد؛ نه تسلیم تدریجی تحت عنوان دیپلماسی. پزشک‌های و تیم همراهش با بازگشت سریع به ادبیات وادادگی، ثابت کرده‌اند که خط اصلی سیاست خارجی‌شان همچنان همان خطی است که ظریف، روحانی و جریان برجانی دیکته می‌کنند. دیدارهای مکرر با میانجی‌هایی که سابقه فریب دارند و پیشنهادهایی که هر بار یک گام عقب‌تر از قبلی است، تنها سیگنال ضعیف به دشمن می‌فرستد. در شرایطی که انتقال تسلیحات به منطقه شتاب گرفته، این سیگنال می‌تواند جرقه دور سوم درگیری را روشن کند؛ جنگی که این بار نیز در سایه دیپلماسی ذلت‌آغاز خواهد شد و هزینه آن را دوباره مردمی خواهند پرداخت که این افراد به آنان وعده توقف جنگ و آرامش را داده بودند.

سیل مواضع اشتباهی دولت

این مواضع به شدت نابهجا و سنجیده در حالی بیان می‌شود که مسعود پزشک‌های نیز در گفت‌وگو با فاکس نیوز نشان داد سخنان نسبتاً و با اغماض قابل قبول او در مجمع عمومی سازمان ملل، تنها یک استثنا خوب در سیل مواضع و تفکرات اشتباه‌وی بوده است. پزشک‌های به سرعت به تنظیمات کارخانه و آنچه ظریف و طیف برجانی برای او دیکته کرده‌اند و مورد قبول خود او نیز هست، بازگشت. او در مواضعی عجیب مدعی قبول انتقال یا رقیق‌سازی اورانیوم ۶۰ درصد و بازرسی از سایت‌های هسته‌ای ایران شد و تصویری تماماً واداده از کشور ارائه داد: که خلاصه آن جز این جملات نقل به مضمون نیست؛ قبل از انتخابات بیا باید توافق کنیم؛ شرایط مان خیلی بد و بی‌سابقه است؛ اورانیوم را رقیق (نابود) می‌کنیم؛ هر نظارتی لازم است بیا باید انجام دهید؛ ما دنبال کشتن ترامپ نبوده و نیستیم؛ تمایل داریم با گفت‌وگو و تفاهم جلو برویم و شما را راضی کنیم.

جدای از این سخنان پزشک‌های، نفس دیدار عراقچی با استیو ویتکاف و کوشنر برای سومین بار، پس از دو دور مذاکره فریبنده و سپس جنگی که تا ترور نفراول کشور و رهبری انقلاب نیز پیش رفت، مورد نقد جدی ملت ایران قرار گرفته است. پیگیری اخبار و روند جاری علاوه بر تمام ضعف‌های بی‌شمار عراقچی و تیمش، نکته جدیدی را به ذهن متبادر می‌کند: حتی یک قدم عقب‌نشینی بیشتر نسبت به تفاهم اسلام‌آباد. تفاهمی که ترامپ تنها به چشم فریب دادن مسئولان ایرانی به آن می‌نگریست و بارها آن را کاغذپاره خواند. حالا صحبت از بازگشایی تنگه هرمز و از دست دادن این اهرم ارزشمند در ازای محاصره دریایی و بدتر از آن شروع مجدد مذاکره هسته‌ای است؛ مذاکره‌ای که دقیقاً همان چیزی است که طرف مقابل برای خلع سلاح ایران و رفع آخرین نگرانی خود پیش از حمله اتمی به ایران می‌خواهد.

محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

در روزهایی که ترافیک سنگین انتقال تجهیزات، ادوات و سلاح از پایگاه‌های آمریکایی و اروپایی به کشورهای حوزه غرب آسیا و خلیج فارس شدت گرفته، مقامات ایرانی بار دیگر مسیر دیپلماسی ذلت‌را در پیش گرفته‌اند. فرنز فصحی، خبرنگار نیویورک تایمز که در ماه‌های اخیر در چندین مقاله شایعات دروغی را عمدتاً علیه مخالفان حسن روحانی و محمد جواد ظریف مطرح کرده بود، در آخرین رپرتاژ خود برای جریان برجانی مدعی شده بود که پاسخ قانونی ایران به راه‌اندازی کریدور آمریکایی در تنگه هرمز در تیرماه، خودسرانه و بدون هماهنگی با شورای عالی امنیت ملی و سپاه پاسداران بوده است. حالا همین خبرنگار در توثیقی تازه نوشته است که عراقچی، وزیر امور خارجه، به وی گفت: «ایران طرحی هفت‌روزه به ایالات متحده پیشنهاد داده که به پایان خصومت‌ها، بازگشایی تنگه هرمز و آغاز فوری مذاکرات جامع هسته‌ای منجر می‌شود و تهران منتظر پاسخ واشنگتن است.»

شبکه خبری ان‌بی‌سی نیز جزئیات بیشتری را از زبان عراقچی منتشر کرده است. به نوشته این شبکه، «طرحی از طریق میانجی‌ها در مذاکرات این هفته به مقامات آمریکایی ارائه شده که در صورت موافقت آمریکا، تنگه هرمز در پایان هفت روز باز خواهد شد و مذاکرات از سر گرفته می‌شود». عراقچی تأکید کرده که «این طرح می‌تواند به محض موافقت آمریکا آغاز شود و شرایطی که از واشنگتن خواسته شده، چیزی جدید نیست و بیشتر از آنچه در توافق اسلام‌آباد وجود داشت، و رئیس‌جمهور آمریکا آن را امضا کرد، نیست.» او اشاره کرده که یکی از شروط این طرح، پذیرش مسیر ترانزیت دریایی از تنگه هرمز توسط آمریکاست که ایران و عمان بر آن توافق کرده‌اند.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ ســـپهبد قـرنی خ شـــاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ
C U L T U R A L

■ شنبه ۴ مهر ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۴۳

یادداشت

موج سواری به سبک رامبد جوان

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

رامبد جوان به تازگی در اظهاراتی عجیب مدعی شده است بازگرانی سازمان صداوسیما شبیه دیوانه خانه است و افرادی که محتوای رسانه ملی را سانسور می کنند دچار مشکلات حاد جنسی هستند. این اظهارات در حالی مطرح می شود که در مواجهه با این ادعاها چند نکته اساسی وجود دارد که نباید از کنار آن ها به سادگی عبور کرد. ابتدا باید دقت داشت که رامبد جوان از هیچ جایگاه علمی یا اجتماعی برای تشخیص و تجویز مشکل جنسی دیگران برخوردار نیست و چنین ادعاهایی هیچ مبنای علمی ندارد. اما اگر فرض را بر این بگذاریم که این ادعاها صرفا درد دل ساده کارگردان «قانون مورفی» با مخاطب است باید به لایه های پنهان آن نیز توجه کنیم. زیرا جوان با طرح این مسائل در واقع خود را در زنجیره مخالفان ریاست فعلی سازمان صداوسیما تعریف می کند و سعی دارد که به سهم خودش مانع از ادامه فعالیت پیمان جبلی در راس رسانه ملی شود؛ او می داند که حتی اگر امکان تقابل مستقیم با سااختر رانداشته باشد با حفظ این مرزبندی سعی می کند برگه اش را برای بازی در میان زنجیره مخالفان مدیریت فعلی تلویزیون حفظ کند. بر همین اساس باید با بدبینی تمام به ماهیت پروژه های بودن این اظهارات توجه کرد. در واقع، بازگویی چنین حرف هایی را نمی توان صرفا یک اظهار نظر ساده دانست، زیرا قطعا پشت پرده آن طراحی های رسانه ای نهفته است.

سوای این مسئله، پیش از این نیز مهرباب قاسم خانی اعتراف کرده بود که در مسیر ساخت سریال پاورچین و تعدادی دیگر از آثار تلویزیونی آگاهانه از خطوط قرمز صداوسیما عبور می کردند تا به نوعی مسائل و حواشی جنسی را در قالب برنامه بازنتاب دهند. این اعتراف نشان می دهد مواجهه ناظران رسانه ملی با این طیف از برنامه سازان به جا بوده و پربیراه نبوده است. در واقع این اعترافات پرده از راهبردی پنهان برمی دارد که هدف آن تزریق تدریجی هنجارهای مغایر با فرهنگ بومی به بدنه رسانه ملی است. این رویکرد نشان می دهد برخی هنرمندان با تکیه بر شهرت خود سعی در عادی سازی مفاهیم مغایر با ارزش های جامعه دارند. آن ها می خواهند با ایجاد حاشیه توجه ها را از محتوای اصلی منحرف کنند. در چنین شرایطی وظیفه نهاد های نظارتی بسیار سنگین تر می شود. صداوسیما به عنوان رسانه ملی وظیفه دارد از حریم فرهنگی خانواده ها محافظت کند و اجازه ندهد سلیقه های شخصی برنامه سازان بر خط مشی کلان سازمان غلبه پیدا کند. وقتی مجری به جای ارتقای کیفیت اثر به تخریب نهاد های نظارتی روی می آورد نشان می دهد دغدغه او هنر نیست و صرفا مانوری رسانه ای برای فرار رو به جلو است.

تبارشناسی فرهنگی شعارهای مردم مبعوث

از کربلا تا خیابان

شعارهایی که از شب های پس از ۹ اسفند ۱۴۰۴ در خیابان های ایران شنیده شد، اگر فقط به عنوان مجموعه ای از جملات سیاسی ثبت شوند، بخش مهمی از معنای فرهنگی خود را از دست می دهند. این شعارها، ادبیات عاشورا، سوگ شیعی، فرهنگ شهادت، ادبیات انقلاب و در نهایت زیان دفاع از سرزمین را در هم ادغام کرده اند. هدف از بررسی این شعارها، شمارش چند



محمد قربانی
روزنامه‌نگار

نخستین نکته در تبارشناسی شعارهای شبانه، غلبه زبان عاشورایی بر زبان سیاسی است. «هیئات من الذله» یا «مثلی لایایع یزید» شاید مهم ترین کلید برای فهم این مجموعه باشد. عباراتی که مستقیماً به سنت کربلا و امتناع امام حسین (ع) از پذیرش ذلت بازمی گردد و در فرهنگ شیعی به یکی از فشرده ترین صورت های بیان مقاومت تبدیل شده است. این شعارها که پیش تر نیز از اصلی ترین شعارهای انقلاب اسلامی بوده اند، به عنوان امتداد همین منطق عاشورایی، جان تازه ای گرفتند. در شب های جنگ، این منطق از سطح یک شعار مذهبی فراتر رفت و به دستور زبان موقعیت جنگی تبدیل شد. لایه دوم، فرهنگ سوگ و خونخواهی شیعی است. شعار «ما همه خونخواه پدر، گوش به فرمان پسر» نمونه روشنی از تبدیل یک رابطه سیاسی به زبان عاطفی است. «پدر» در اینجا در نسبت با رهبر شهید و «پسر» در نسبت با رهبر جدید قرار می گیرد. بنابراین سوگ به بیعت و فقدان به استمرار تبدیل می شود. همین مضمون در کنار شعار «باالفضل علمدار، خامنه ای نگهدار» قرار گرفته است. اینجا الگوی کربلا دوباره دیده می شود: شهادت پایان روایت نیست. شهادت، نقطه آغاز عهد تازه با ماندگان است. «حیدر حیدر» نیز از همین منظر اهمیت دارد. این شعار با ارجاع به امام علی (ع)، یکی از قدیمی ترین و شناخته شده ترین صورت های حماسه خوانی

گزارش کوتاه

هالیوود علیه قصاب غزه؛

وقتی امپراطوری رسانه ای اسرائیل کار نمی کند!

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

سال هاست دستگاه رسانه ای غرب تلاش می کند جنایت های رژیم صهیونیستی را پشت انبوهی از واژه های دیپلماتیک پنهان کند؛ «حق دفاع از خود»، «امنیت اسرائیل»، «مبارزه با تروریسم» و ده ها عنوان دیگر برای اینکه اصل ماجرا دیده نشود. اما حالا حتی بخشی از هالیوود هم دیگر حاضر نیست در این نمایش نقش سیاهی لشکر را بازی کند.

همزمان با ورود بنیامین نتانیاهو به نیویورک برای حضور در سازمان ملل، صدها معترض مقابل این سازمان تجمع کردند و مسیر ورود او را مسدود کردند. نکته قابل توجه اما حضور چهره هایی از هالیوود در میان معترضان بود؛ از سوزان ساراندون و هانا اینبیندر تا سینتیا نیکسون و الیوت پیج. این بار ستاره های سینما پشت صف معترضانی ایستادند که علیه جنگ غزه شعار می دادند و برخی از آنها نیز بازداشت شدند. هانا اینبیندر بعد از بازداشت، برخلاف آنچه معمولاً از سلبریتی ها انتظار می رود، تلاش نکرد ماجرا را به خودش تقلیل دهد. او صریحاً گفت اگر تصاویر بازداشتش قرار است توجهی جلب کند، این توجه باید متوجه جنگ غزه باشد. همین نکته مهم است؛ مسئله برای بخشی از این چهره ها دیگر یک ژست سیاسی برای کسب توجه نیست و به موضوعی تبدیل شده که حاضرند برای آن هزینه بدهند.

سوزان ساراندون نیز پیش تر گفته بود حمایت از فلسطین برایش هزینه حرفه ای داشته و به همین دلیل برخی فرصت های کاری را از دست داده است. نکته مهم ماجرا در این است که در صنعتی که سال ها یکی از مهم ترین ابزارهای بازتولید روایت های رسمی آمریکا بوده، حالا چهره هایی پیدا شده اند که همان روایت رسمی را به چالش می کشند.

ماجرا فقط به خیابان هم محدود نماند. هنگام سخنرانی نتانیاهو در سازمان ملل، ده ها نماینده سالن را ترک کردند. یعنی حتی در همان ساختمانی که قرار بود نتانیاهو از سیاست های خود دفاع کند و با یک روایت سینمایی هم در پشت تریبون قرار گرفته بود، تصویر دیگری هم در حال شکل گیری بود.

نتانیاهو می تواند اعتراض ها را انکار کند، ادعاهای مطرح شده درباره جنایت های اسرائیل را «دروغ» بخواند و حمایت واشنگتن را پشت سر خود داشته باشد؛ اما یک واقعیت را نمی تواند با سخنرانی تغییر دهد: مسئله فلسطین دیگر فقط در غزه و خیابان های منطقه دنبال نمی شود. این مسئله به قلب جامعه غربی و حتی به هالیوود رسیده است.

و شاید برای رژیمی که سال ها روی مهندسی افکار عمومی غرب حساب کرده، هیچ چیز از این معنا دار تر نباشد که ستاره های هالیوود این بار مقابل دوربین، نه برای تبلیغ یک فیلم، که برای اعتراض به جنایت در غزه ایستاده اند.

مخاطبان زیادی را به سمت خود فراخوانند. براین اساس، موفقیت این برنامه مدیون ایستادگی بر نقطه تمایز و مزیت های درونی سازی شده است. سازندگان پاورقی به جای موج سواری بر حاشیه ها یا تلاش برای ویرال شدن به هر قیمت، بر هویت اصل و محتوای متعهدانه تکیه کرده اند. این رویکرد ثابت می کند که رسانه ملی برای جذب اعتماد و همراهی مردم نیازی به تقلید از الگوهای بیگانه ندارد. وقتی یک اثر با برنامه تلویزیونی بر ارزش های انقلابی و دغدغه های واقعی جامعه متمرکز می شود، بدون شک می تواند در رقابت با شبکه های خارجی و حتی پلتفرم های موجود حرف زیادی برای گفتن داشته باشد. در این رابطه، پاورقی ثابت کرد که مخاطب امروز تشنه محتوای بومی و متعهد بوده و این مسیر نشان می دهد که تولید محتوای فاخر و ارزشمند همواره مورد استقبال قرار می گیرد و نیازی به تنزل دادن سطح برنامه ها نیست. بیننده هوشمند است و رسانه ای که به اصول خود پایبند بماند، قطعاً جایگاه بسیار ویژه ای در قلب و ذهن مردم عزیز کشور خواهد داشت.



مرکز تحلیل اجتماعی «متا» در جدیدترین نظرسنجی خود مربوط به مردادماه هزار و چهارصد و پنج اعلام کرد برنامه پاورقی با اجرای محمدرضا شهبازی با جذب ۲۲ درصد بیننده در جایگاه دوم پرمخاطب ترین برنامه تلویزیونی قرار گرفته است. این آمار به طور واضحی نشان می دهد که برخلاف ادعای رسانه های وابسته به جریان های غربگرا و وفاقی، برنامه های انقلابی همچنان می توانند

پاورقی همچنان در اوج